

## نزار الصیاد

# مدل سازی شهرهای سنتی اسلامی<sup>۱</sup>

ترجمهٔ مریم قیومی

برای فهم بهتر شهرهای اسلامی، باید آنها را در زمینهٔ تاریخی وسیعتری بررسی کرد. بازسازی تصویری شهرها در مقاطع تاریخی گوناگون و ساختن نمونک واقعی و رایانه‌ای برای این شناخت مفید است. در غیاب اطلاعات باستان‌شناختی برای این بازسازیها، مورخان شهر و معماری ناگزیر باید به تاریخ‌نامه‌ها استناد کنند. از جمله کارهایی که در این زمینه شده است، بازسازی سیر تحول دمشق و قاهره، یکی در زمان امویان و دیگری در زمان فاطمیان، است.

دمشق که پایتخت یک کشور کوچک آرامی بود، پس از سلطه اسکندر و سپس رومیان، کلان‌شهر یونانی- رومی و بعدها به شهری بیزانسی بدل شد. مسلمانان که شهر را تصرف کردند، به‌رغم ایجاد تحول اساسی فرهنگی در شهر، دست‌کم تا هنگامی که بنی‌امیه آن را پایتخت خود ساختند، ساختار و تصویر عمومی آن را دگرگون نکردند.

فاطمیان در مصر به پایتختی نیاز داشتند که با بغداد هم‌اوردی کند و مرکز فکری و دینی جهان اسلام باشد. جوهر، سردار خلیفه المعز لدین الله، شهر جدید قاهره را در شمال شهر قدیم فسطاط و به موازات نیل بنا کرد. الگوی این شهر مستطیل و شامل بارو و دروازه‌ها، کاخ خلیفه، مسجد، میدانها، املاک لشکریان، و بستانهای موجود از قبل بود. کاخ خلافت با میدانها و باغهایی از محیط پیرامونش و از جنوب با ریحهای از مسجد جامع جدا می‌شد که خلیفه المعز اولین نماز جمعه را در آن امامت کرد. تصویر کلی قاهره در دورهٔ المعز، با شبکه منظمی از خیابانهای عرض و میدانهای باز، با تصویر قالبی شهر اسلامی بسیار متفاوت است. المعز پسر المعز نیز بعد از او سازندگی‌هایش را با بناهایی چون قصرالبحر و مسجد حکیم ادامه داد. بدرالجمالی وزیر شهر را با استفاده از سنگهای معابد مصر باستان نو کرد و گسترش داد.

فهم صحیح و کامل تاریخ شهرهای اسلامی نیازمند ایجاد پایگاه اطلاعات تاریخی همراه با تصاویر و شبیه‌سازیهای رایانه‌ای است تا از این راه، بانی جدید را در تاریخ صورت شهر گشوده شود.

شهرهای اسلامی طی چند دههٔ اخیر موضوع مطالعات مهمی بوده است. این شهرها را معمولاً با عباراتی نظیر اندام‌وار<sup>(۱)</sup>، نامنظم و پره‌ج و مرج<sup>(۲)</sup>، با خیابانهای بی‌چاپیچ، بدون میدانها رسمی، بدون توجه به هندسه، و در تقابل با نظم شهری توصیف می‌کنند. با اینکه ممکن است این بیان توصیفی منصفانه از برخی شهرهای اسلامی باشد، تنها در صورتی می‌توان آن را توجیه کرد یا فهمید که در زمینهٔ تاریخی وسیع‌تری قرار گیرد. مثلاً تلاش برای بازسازی تصویری سالهای اولیهٔ برخی از معروف‌ترین شهرهای راست‌گوشهٔ اسلامی- عربی، امکان‌پذیر است. شهرهای شطرنجی مانند دمشق، که صورت اصلی آنها به ریشه‌های رومی- یونانی بازمی‌گردد، و شهرهای طراحی شده مانند قاهره که به صورت شبکهٔ هندسی منظمی بنا شد تا خلیفهٔ جدید و اطرافیان‌ش در آن مستقر شوند، نمونه‌های خوبی از سیر تحول شهرهای اسلامی است.

در غیاب اطلاعات باستان‌شناختی تفصیلی، مورخان شهر و معماری مجبور به رجوع به توصیفهای متون بوده‌اند تا صورت شهری اولیهٔ این شهرها را بازسازی کنند. تاریخ‌نامه‌های عربی که هم‌زمان با گسترش اسلام نوشته شده غنی‌ترین منبع تاریخ شهرهای اسلامی است. برای برآوردن اهداف این مقاله تقریباً منحصرأ به این تاریخ‌نامه‌ها استناد می‌کنم تا طرح کلی بازسازیهای گوناگون بصری قاهره و دمشق را در مراحل اولیهٔ رشدشان نشان دهم. به این منظور، عمدتاً بر نمودارهای متداول شکل-زمینه<sup>(۳)</sup>، اتصال، و مکان به عنوان روشی برای تحلیل رابطهٔ میان کاربری زمین و الگوهای فعالیت و تسهیلات بنیادی تکیه خواهیم کرد. از ماکت گلی نیز برای تحلیل روابط فضاهای پر و خالی و طرحهای کالبدی و الگوهای مسیر گردش استفاده خواهیم کرد. از شبیه‌سازی رایانه‌ای نیز، که در آن از فنون تصاویر متحرک پیشرفته استفاده می‌شود، به منظور ارائهٔ حالت‌های مختلف بازسازی تصویری شهرها و نیز برای بررسی سیر تحول بهره خواهیم گرفت.

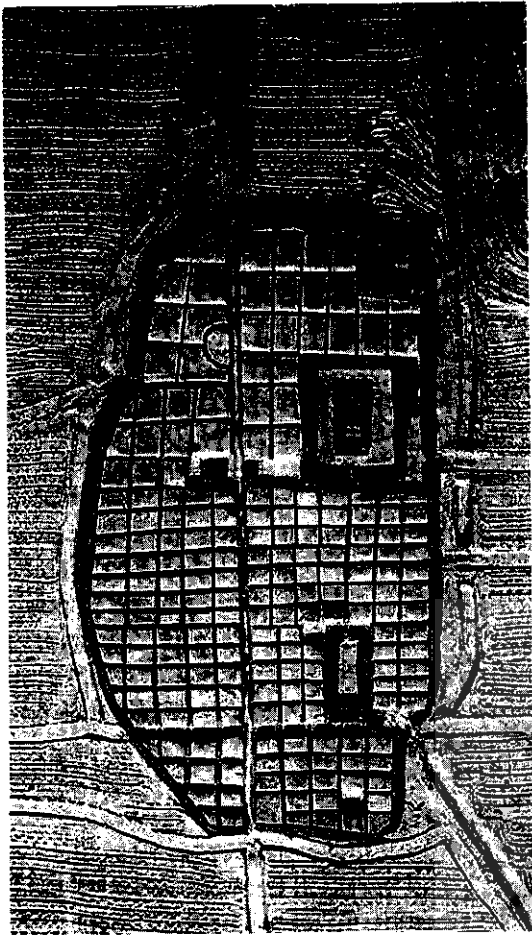
## دمشق

شهر دمشق در طول تاریخش پیوسته پیشرفت کرده است. اولین ذکر این شهر از هنگامی است که پایتخت پادشاهی آرامی کوچکی در قرن یازدهم قبل از میلاد بود. فتح

(1) organic

(2) anarchic

(3) figure-ground

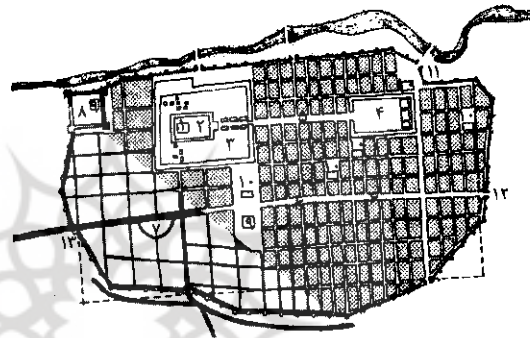
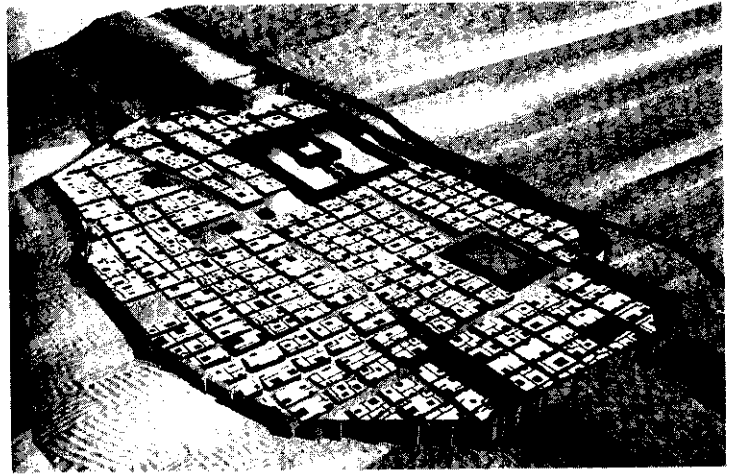


که در آن زمان متروک بود، بازسازی شد و به کلیسایی تغییر یافت که وقف یوحنا تعمیددهنده<sup>(۱۰)</sup> شد. تپه‌های غربی شهر (که بعدها درون باروی رومی واقع شد) علاوه بر دژ، کاخ بیزانسی را در بر داشت (ت ۴).

هنگامی که دمشق به دست عربها افتاد، ضعف عمومی مراجع دولتی منجر به نادیده گرفتن ضوابط ساخت‌وساز شد و نظم کالبدی در شهر شروع به تلاشی کرد. با این حال، اگرچه به حریم خیابانها تعرضاتی شده بود؛ هنوز شبکه کارآ و قابل تشخیص بود. به نظر می‌رسد نظم شهر عربها را بسیار تحت تأثیر قرار داده بود، خصوصاً دکومانوس طویلش که آن را «مستقیم»<sup>(۱۱)</sup> می‌خواندند، و این عنوان را تقریباً به مدت ده قرن به کار بردند.

اساساً سلطه عربها چندان تأثیری بر دمشق نگذاشت؛ چندین گروه از جمعیت یونانی‌زبان از شهر گریختند و بسیاری از املاک رهاشده‌شان را عربهایی که به آنجا می‌آمدند تصرف کردند.

در تاریخ‌نامه‌ها دربارهٔ مفاد عهدنامهٔ امضاشده میان



ت ۱. (چپ) بازسازی دمشق قبل از فتح آن به دست عربان، با نمونک گلی

ت ۲. (راست، بالا) بازسازی رایانه‌ای دمشق پیش از اسلام

ت ۳. (راست، پایین) نقشهٔ دمشق بیزانسی در ابتدای قرن هفتم میلادی، پیش از فتح آن به دست عرب (بر طبق نظر سوزاوه، یلیسیف، تاریخ‌نامه‌های عربی)

۱) معبد ژوپیتر بدل شده به کلیسای جناب یوحنا، ۲) محوطه معبد (تئوس)، ۳) محوطه پیرامون معبد (پریپولوس)

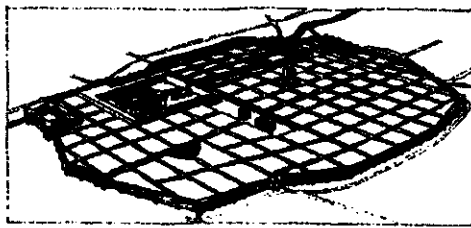
با حجره‌های افزودن بدان، ۴) میدان یونانی (آگورا) که به میدان رومی (فوروم) حجره‌داری بدل شده است، ۵) خیابان رواق‌دار، ۶) خیابان شرقی-غربی رومی (دکومانوس) که بعداً خیابان مستقیم نام گرفت، ۷) غایش‌خانه که به اتبار مبدل شد، ۸) قلعه، ۹) کاخ بیزانسی، ۱۰) کلیسای بیزانسی، ۱۱) دروازه توما، ۱۲) دروازه شرقی، ۱۳) دروازه الجاییه

۴) form  
۵) Agora  
۶) Hadrian  
۷) Decumanus  
۸) Forum  
۹) The Thomas Gate  
۱۰) St. John the Baptist  
۱۱) the straight

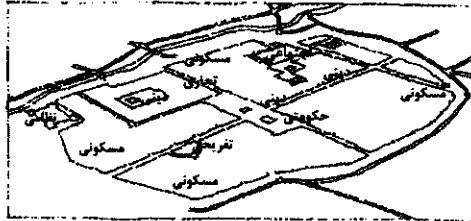
دمشق به دست اسکندر در سال ۳۳۳ ق.م، حادثه‌ای مهم برای صورت<sup>(۴)</sup> شهری دمشق است. مشخصهٔ طرح این شهر شامل معبد ژوپیتر، آگورا<sup>(۵)</sup>، شبکه‌ای یکپارچه و بلوکهای کوچک خانه‌ها در قطعات زمین با ابعاد معین می‌شد (ت ۱). سپس در قرن اول قبل از میلاد، دمشق تحت سلطهٔ رومیها درآمد و با شروع قرن دوم میلادی، تحت سلطهٔ هادریان<sup>(۶)</sup>، به یک کلان‌شهر بدل شد. دو خیابان ستون‌بندی‌شدهٔ بزرگ بر طرح رومی غالب بود. اولی، مانند دکومانوس<sup>(۷)</sup> در شهرهای رومی، با طاقهای رومی متعددی از شرق شهر به غرب آن کشیده می‌شد.

دومی، جادهٔ قدیمی هم‌جوار معابد و آگورا بود (که به فوروم<sup>(۸)</sup> تغییر یافت). دژی نیز در گوشهٔ شمال شرقی شهر ساخته شد. رومیها به شهر صورت مستطیلی با ابعاد ۱۵۰×۲۲۵م دادند. باروی با هفت دروازه، شهر را احاطه می‌کرد: دروازهٔ شرقی، دروازهٔ الجاییه<sup>(۹)</sup> به غرب، سه دروازه به شمال که شامل دروازهٔ توما<sup>(۱۰)</sup> در شمال شرقی و دو دروازه به جنوب می‌شد (ت ۲ و ۳).

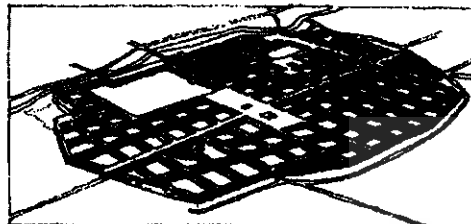
در سال ۳۹۵ م، دمشق قسمتی از امپراتوری بیزانس و ساختن کلیساها در آن آغاز شد. معبد ژوپیتر،



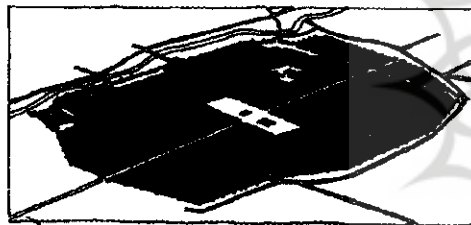
صورت شهری دمشق  
پیش از اسلام



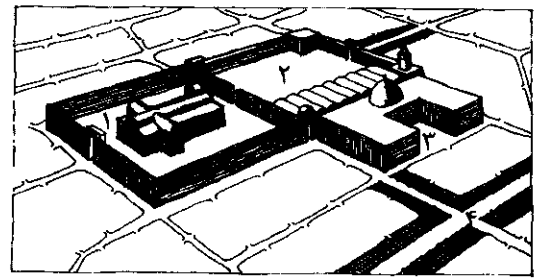
الگو (مکان)  
کاربری و فعالیت



ساختار  
رابطه  
فضایی



انتظام  
کالبدی



صورت  
عملکردی

صورت  
کالبدی

عربها و مسیحیان داستانهای بسیاری نقل شده است؛ مثلاً بلاذری از واقدی، که می گویند متن عهدنامه ای را که خالد امضا کرده بوده (که خود محل بحث است) دیده است نقل کرده که در این عهدنامه هیچ اشاره ای به تقسیم خانه ها یا کلیساها [با مسلمانان] نشده است.<sup>۷</sup> محققان بسیاری به این نتیجه رسیده اند که جزئیات واقعه اشغال دمشق حاصل نظام مستندسازی تاریخ به دست نسلهای بعدی مفتیان و علماست که به دنبال توجیه حادثه بوده اند.

چه بر اثر تخلیه داوطلبانه و چه سلب مالکیت، عربهای مسلمان به تدریج در خانه های خالی دمشق ساکن شدند. اگرچه اطلاعاتمان در مورد محل دقیق زندگی عربها بسیار کم است، این را می دانیم که آنها هیچ محله خاصی بنا ننهاده اند. به نظر می رسد فرماندهان پادگانهای مختلف تعدادی خانه خالی را در محلهای گوناگون تصرف کرده باشند.

شاید مهم ترین ماجرای تاریخی در تغییر صورت دمشق در دوره عربها مربوط به مسجد آن باشد. بدیهی است محلی که عربها برگزیدند محل قبلی کلیسای یوحنا یا تعمیردهنده بود. این جبریر معتقد است که مسلمانان کنیسه یا کلیسا را به دو بخش تقسیم و نیمه شرقی آن را تصرف کردند؛ ولی محققان بسیاری این مطلب را رد کرده اند. برخی چنین رابطه ای را ناممکن دانسته اند؛ برخی دیگر این سردرگمی را به خطایی در ترجمه نسبت می دهند. کرسول<sup>(۱۲)</sup> این طور نتیجه گیری کرده است که مسلمانان صرفاً نیمه شرقی معبد قدیمی یا تمنوس<sup>(۱۳)</sup> را تصرف کردند که خارج از بنای کلیسا بود (ت ۵).

ظاهراً توضیح کرسول با تعهد مسیحیان در عهدنامه شان با عربها مطابقت دارد. ولی مسلمانان چگونه در این فضا، پیش محوطه کلیسا<sup>(۱۴)</sup>، که بیرون کلیسا بود نماز می گزارند؟ ویزگیهای کالبدی و عملکردی آن چه بود؟ آیا هیچ یک از بخشهای آن سرپوشیده بود؟ و احتمالاً چه رابطه ای با قبله داشت؟ در اندکی از تاریخ نامه ها به مسجد

مجاور کلیسای دمشق «مصلاً» گفته اند. این اصطلاح اولین بار در مدینه به کار رفت، و مکانی خارج از شهر را شامل می شد که مسلمانان برای نماز عید در آنجا جمع می شدند. بعدها بنایی در مصلائی مدینه ساختند. امکان دارد چنین جریانی در دمشق رخ داده باشد، که در آن، عمل ساختن به تنهایی تداوم بخش تأثیرات عربی یا اسلامی بر این شهر نبوده است.

سرگذشت مسجد تنها یکی از ماجراهای تاریخ تصرف دمشق است، اما نمونه خوبی است. عربها با هر نوع بنای دیگری که تصرف کردند رفتاری متفاوت نداشتند؛ و در دمشق یا اصلاً تغییری ساختاری رخ نداد یا بسیار ناچیز بود— دست کم تا زمانی که بنی امیه در سال [۴۱ق/ ۶۶۱م] آن را به عنوان پایتخت خود برگزیدند.

در زمان معاویه، دمشق پایتخت خلافت بنی امیه شد. معاویه یا ساختمان سازی بر مبنای تجارب قبلی اش در سمت والی شام و با پیروی از الگوی بیزانسی موجود،

ت ۴. (چپ) تحلیل صورت شهری دمشق پیش از اسلام

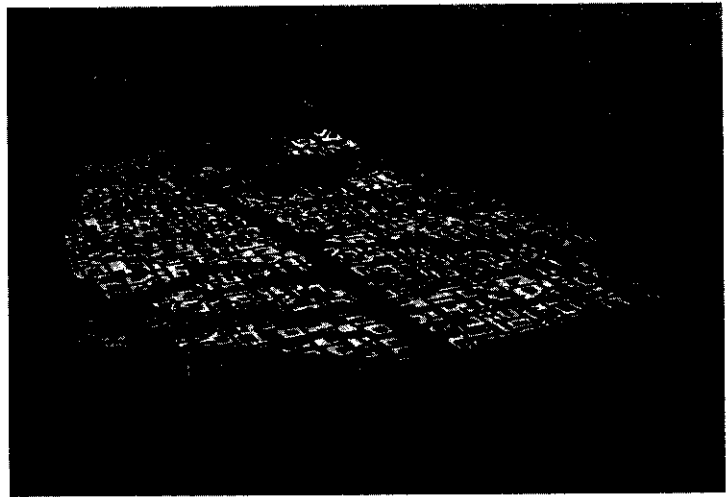
ت ۵. (راست) بازسازی ای از دمشق، کلیسای جناب یوحنا و کاخ معاویه (طبق گفته ابن عساکر) ۱۱ کلیسای جناب یوحنا

۲) مسجد اموی  
۳) کاخ الحضرا  
۴) تجارنگاه / رواق که به بازار بدل شد

(12) K. A. C. Creswell

(13) Temenos

(14) Parvis



ت ۶. (چپ) بازسازی دمشق دوران اسلامی با نمونک کلی

ت ۷. (راست) بازسازی رایانه‌ای دمشق دوران اسلامی

سازمانهای دیوانی دمشق را بنیاد نهاد؛ تحت فرمان او رنگ و بوی مدیترانه‌ای بر حال و هوای صحرائی اسلام غلبه کرد. معاویه در امر خلافت دخل و تصرف کرد؛ و از همان آغاز کار پیداست که قصد داشته است آن را به سلطنت تغییر دهد. اگرچه فقهای صدر اسلام سلطنت را غیراسلامی تلقی می‌کردند و عربهای تحت سلطه معاویه از عنوان «مَلِک» نفرت داشتند؛ معاویه دست از برنامه‌هایش برای ایجاد سلسله‌ای برنداشت که بتواند با سلسله‌های اروپایی رقابت کند.

زمانی که معاویه والی شام بود، در یکی از کاخهای بیزانسی قدیمی شهر زندگی می‌کرد. چند سال پس از رسیدن به خلافت، کاخی برای خود ساخت. کاخ معاویه الحضراء یا «کاخ سبز» نامیده می‌شد؛ گویا بدین سبب که گنبد سبز بزرگی داشت. به گفته ابن عساکر، کاخ را با آجر ساخته بودند و در جوار دیوار جنوبی مسجد در جهت قبله قرار داشت. در نمونه‌ای قدیمی‌تر در کوفه و بصره نیز برای استفاده از سمت قبله مسجد چنین ارتباطی بین مسجد و دارالاماره وجود دارد.

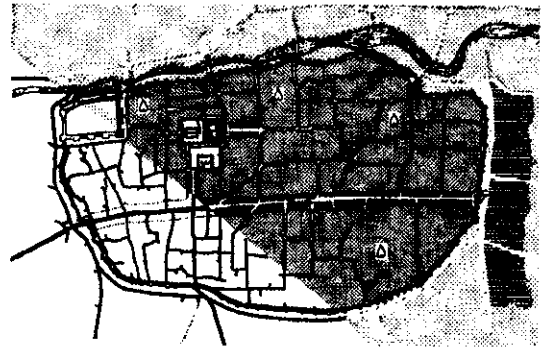
بعید است که این رابطه در دمشق تصادفی بوده باشد؛ ولی پی‌جویی چنین پیشینه‌ای برای آن یا اثبات اینکه معاویه سعی در تکرار الگویی داشته که قبلاً دیده بوده دشوار است. طبق گفته ابن عساکر، می‌دانیم که آن کاخ در زمان حکومت معاویه تغییرات متعددی کرد. او می‌گوید سفیر بیزانس در دمشق با دیدن کاخ گفت که «این کاخ نیست؛ زیرا بالای آن برای پرندگان و پائینش برای آتش است».<sup>۱۵</sup> گویا این سخن موجب شد معاویه به کاخ وسعت بخشد و آن را با سنگ بازسازی کند.

ظاهراً در کاخ معاویه، دو بخش متمایز وجود داشت: محل سکونت خانواده او، و دربارش. شاید عنوان «کاخ سبز» به کل مجموعه بنایی اداری اطلاق شده باشد که خانه معاویه تنها بخشی از آن بود. بیلجسیف<sup>(۱۵)</sup> حتی بر این باور است که «کاخ سبز» صرفاً تغییر یافته کاخ بیزانسی قبلی بوده است. ولی حتی اگر این باور درست باشد، نباید از اهمیت تلقی مسجد و بارگاه خلافت به منزله نماد اتحاد حکومت و دین در قدرت رو به رشد اسلام بکااهد.

اگرچه دمشق پایتخت حکومت معاویه بود، صورت کالبدی یا زندگی روزانه این شهر تغییر بسیاری نکرد. زبان یونانی زبان دیوانی باقی ماند و تصویر عمومی شهر، به‌رغم تحول اساسی فرهنگی، تغییری نکرد. ادعای نامعقول بودن خیابانهای دمشق و سازمان فضایی آن موضوع مجادلات فراوان بوده است (ت ۶ و ۷). عقیده رایج میان محققان این است که نامنظم بودن خیابانها تجلی برخی مقررات هرج و مرج طلبانه است که ریشه در نظام شهری اسلامی دارد. اساساً این دیدگاه را ژان سواژه<sup>(۱۶)</sup>

(15) Elisseeff

(16) Jean Sauvaget

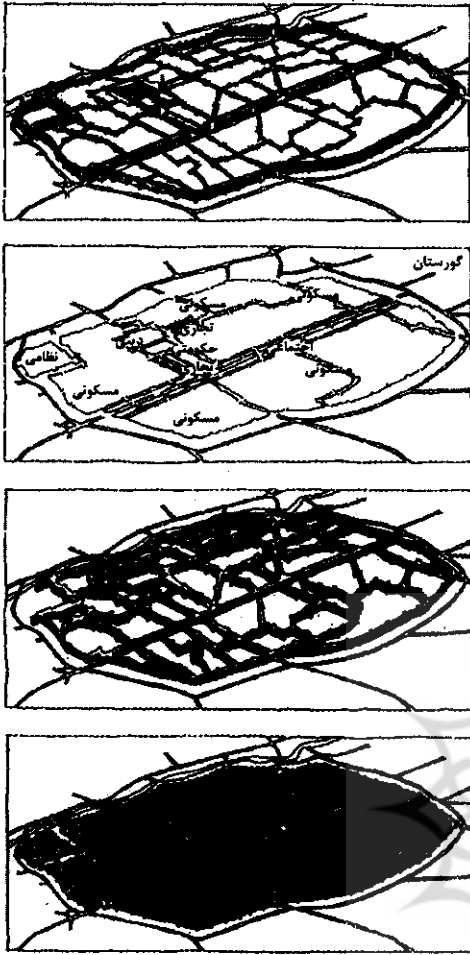


حمایت می‌شد؛ کسی که تلاشهایش برای بازسازی طرح یونانی- رومی دمشق و حلب او را به این نتیجه سوق داد که نظم خیابانهای آنها تا دوره اسلامی حفظ شده، ولی تحت تأثیر عربها از بین رفته است (ت ۸ و ۹).

به هر حال، دوپلانول<sup>(۱۷)</sup> این عقیده را رواج داد و همه شهرهای اسلامی را به منزله شهرهایی که هیچ نظمی ندارند، بدنام کرد. او معتقد بود که «دین اسلام به نفعی نظم شهری می‌انجامد». با این حال، فون گرونیباورن<sup>(۱۸)</sup> بعدها گفت که تلاشی شبکه شطرنجی معابر دمشق هم‌زمان با قرن دوم میلادی شروع شده بود، و این تغییر را به ضعف مراجع دولتی مربوط می‌دانست. اگرچه این نظر تا حدی صحیح است، دانستن اینکه دقیقاً چه زمانی این تغییر کامل شد و اینکه کدام نیروها باعث ایجاد آن شد، دشوار است. آنچه می‌دانیم این است که تصویر عمومی شهر با سلطه عربها تغییر ماهوی نیافت و هر گونه تغییری که در خیابانهایش واقع می‌شد بخشی از جریانی پیش‌رونده بود.

### قاهره

پس از تلاشهای متوالی، جنبش فاطمیان نیروی کافی برای فتح مصر به دست آورد و تقریباً بلافاصله، جوهر، سردار<sup>۱۰</sup> خلیفه فاطمیان، شروع به جستجوی مکانی برای استقرار لشکر خود کرد. طبق دست‌کم یک روایت، او در فکر ایجاد پایتختی جدید بود که خلیفه المعز به منزله سریر خلافتش و هم‌اوردی برای بغداد در نظر داشت. از آنجا که جوهر مجبور بود طرح از پیش مشخص را در این منطقه تکه‌تکه پیاده کند، شهر جدید را در تنها مکانی که برایش ممکن بود، در شمال سکونتگاههای موجود بنا کرد. از این منظر، قاهره نیز پیرو الگوی از پیش موجود شهرهایی است که موازی نیل ساخته شده بود. اولین اقدام جوهر



صورت شهری دمشق  
دوران اسلامی

الگو (مکان)  
کاربری و فعالیت

صورت  
عملکردی

ساختار  
(رابطه)  
فضایی

صورت  
کالبدی

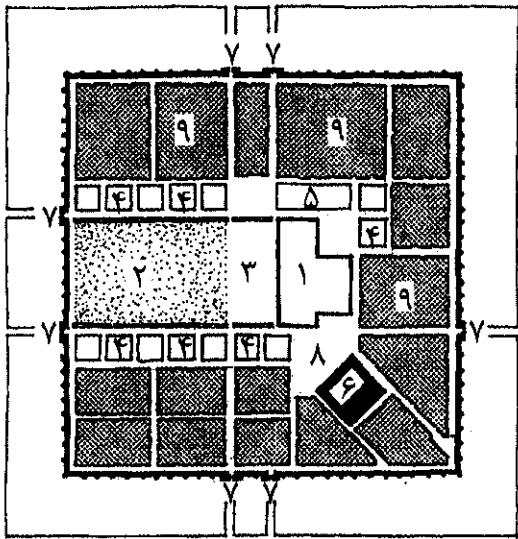
انتظام  
کالبدی

ساختن باروی شهر، مشخص کردن مکان دروازه‌ها، و آغاز ساخت دو بنای اصلی، یعنی کاخ خلیفه و مسجد، بود. بنا بر افسانه‌ها، روز بعد هنگامی که گروهی نماینده از فسطاط برای خوشامدگویی به نزد جوهر رفتند، دریافتند که پی کل شهر را به تازگی کرده‌اند. در تاریخ‌نامه‌ها هیچ سخنی از معماران یا سازندگان شهر نرفته است؛ و از اینجا می‌توان احتمال داد که سپاه او شامل افرادی با چنین مهارت‌های ویژه‌ای بوده است.

مقریزی مورخ نامدار قاهره، می‌گوید جوهر اساساً شهر را به صورت مربعی به ضلع ۱۰۹۷ متر/۱۲۰۰ یارد طراحی کرد. این در مجموع مساحتی معادل با ۱۳۸ هکتار/۳۴۰ جریب فرنگی را شامل می‌شود که ۲۸ هکتار/۷۰ جریب آن به کاخ خلیفه، و ۷۰ جریب از بقیه به باغهای موجود بستان کافوری و میدانهای جدید یا رجه اختصاص یافت. مساحت باقی‌مانده با عنوان خطه به ۲۰ گروه متفاوت واگذار شد که سپاه را تشکیل

- ت ۸ (راست) نقشه دمشق دوران اسلامی (بر طبق المنجد)
- ۱) کلیسای جناب یوحنا
- ۲) مسجد اموی
- ۳) کاخ الخضر
- ۴) تاجرانگاه/ رواق
- ۵) محله مسکونی
- ۶) گورستانها
- ت ۹. (چپ) تحلیل صورت شهری دمشق دوران اسلامی

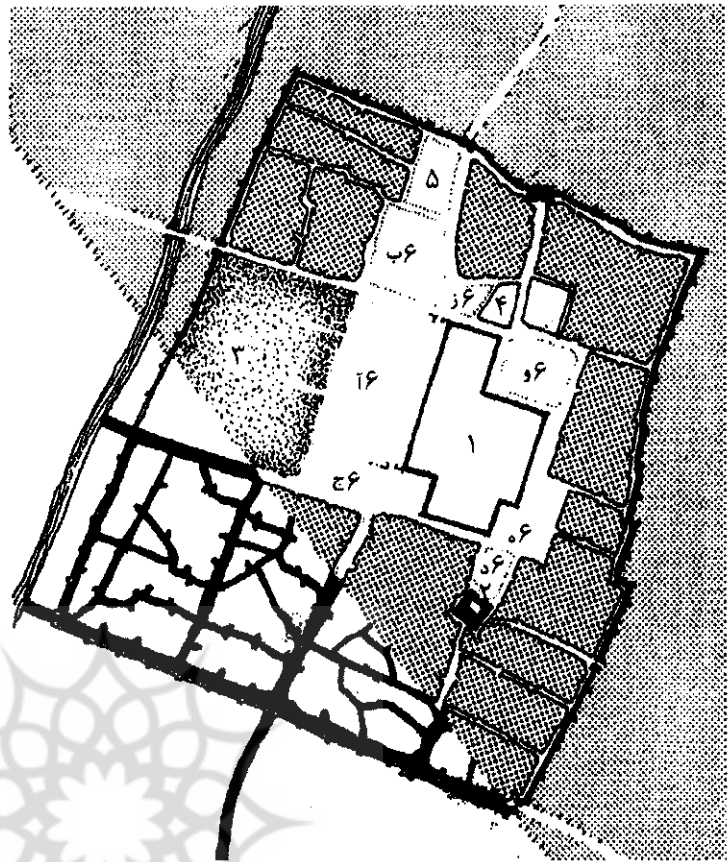
(17) X. de Planhol  
(18) Von Grunebaum



و فرمان داد آنها را در محلی نزدیک کاخ دفن کنند. خلیفه با ورودش به شهر اولین نماز جماعت را امامت کرد، تا قاهره را به جهت سوق دهد که در سالهای آتی پایتخت فکری و دینی جهان اسلام شود.

توصیف مقریزی از عناصر گوناگون شهری ای که شهر فاطمیان را شکل می‌داد، از ۲۰۰ صفحه تجاوز می‌کند، و بسیاری از این مقدار را به کاخهای آن اختصاص داده است. او می‌گوید که جوهر و قوایش در جنوب محل قاهره اردو زدند و فوراً ساخت باروهای شهر را آغاز کردند. مقریزی همچنین می‌گوید جوهر هم‌زمان ساخت کاخ اصلی را در سال [۳۵۸ق/۹۶۹م شروع کرد (ت ۱۱ و ۱۲). ضلع غربی کاخ با میدان مرکزی هم‌مرز بود، که بعدها با الحاق کاخ خلافت دیگری به سمت غرب محصور شد. مبارک می‌گوید که میدان محلی بود که خلیفه در آنجا عرض لشکر می‌دید و ۱۰۰۰۰ لشکری را اسکان می‌داد. در قاهره، مانند بغداد که اولین پایتخت طراحی شده اسلامی بود، کاخ خلافت با میدانه و باغهایی از محیط پیرامونش جدا می‌شد. در غربش، بستان کافوری قرار داشت؛ باغ وسیعی که در طی دوره آل اخشید<sup>۱۱</sup> برای تفریح ایجاد شد. این باغ با دیوار محصور شده بود و از طریق گذرگاههای زیرزمینی به کاخ خلافت متصل بود، و در روزهای نخست، به خلیفه و خانواده‌اش اختصاص داشت. رحبه‌ها کاخ خلافت را از دارالضیافه و خطه البرقیه، به ترتیب از شمال و شرق جدا می‌کرد.

در حالی که ساخت کاخ ادامه داشت، جوهر ساخت مسجد جامعی را در جنوب کاخ آغاز کرد که با



می‌دادند (ت ۱۰).

مقریزی همچنین می‌گوید که جوهر آن قدر عجله داشت که به لشکریانش دستور داد همه شب جمعه را کار کنند، و بامداد فهمید که طرح با اندکی انحراف از شکل مستطیلی اجرا شده است. سپس تصمیم گرفت آن را اصلاح نکند، و گفت «این مکان در شب مقدس طراحی شده و نامنظم بودنش حتماً حکمتی الهی دارد» (ت ۱۳). اینکه برخی از محققان معتقدند این طرح در طی اجرا از شکل مربع اصلی‌اش به مستطیل تحریف شده است بعید می‌نماید. نسبت اضلاع طرح اجرا شده ۲ به ۳ است، که وقوع تصادفی‌اش ناممکن است.

خلیفه المعزالدین الله چهار سال پس از فتح به شهر جدید وارد شد و آن را پایتخت خلافت خود اعلام کرد. سپس اسم آن را به قاهره تغییر داد، که به معنای «مقهورکننده» است. بعدها مسافران ایتالیایی این اسم را به اسم انگلیسی فعلی آن، کایرو<sup>۱۱</sup>، تحریف کردند.

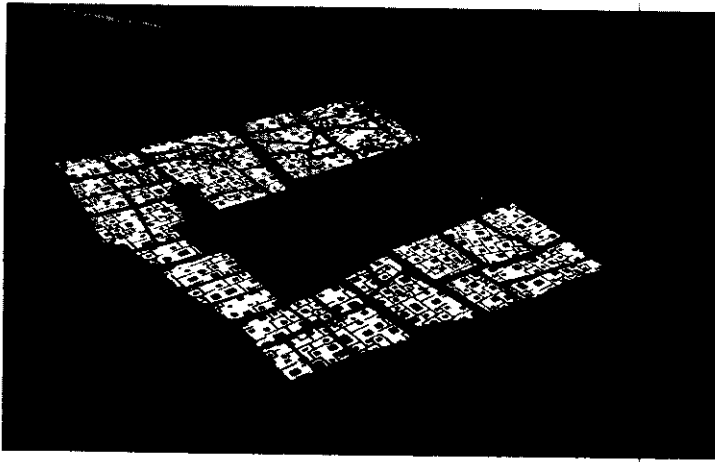
خلیفه المعز از ابتدا قصد ایجاد پایتخت باشکوهی را داشت که حسی تاریخی همراه داشته باشد. او از تونس سه تابوت با خود آورد که حاوی اجساد اسلافش بود

ت ۱۰. (چپ) نقشه اصلی قاهره مطابق تصویری که جوهر به دست داده (بازسازی بر طبق توصیف مقریزی از نقشه شهر) (۱) دارالحلایفه، (۲) باغ، (۳) میدان، (۴) کاخهای سلطنتی، (۵) دارالضیافه، (۶) مسجد، (۷) دروازه‌ها، (۸) رحبه، (۹) محله‌های مسکونی

ت ۱۳. (راست) بازسازی نقشه قاهره آن‌چنان‌که در محل اجرا شد (طبق نقشه تخمین جغرافیای مصر در سال ۱۹۲۲)

(۱) کاخ خلیفه، (۲) مسجد الازهر (۳) باغ-کاخها (بستان کافوری)، (۴) دارالضیافه، (۵) اصطبلها، (۶) میدانها: (الف) میدان خلافت (میدان الکبیر)، (ب) میدان اخشید، (ج) رحبه القصر، (د) رحبه الازهر، (ه) قصر الشوک، (و) رحبه العید، (ز) دارالضیافه

(19) Cairo



ت ۱۱. (راست)  
بازسازی قاهره اوایل  
دوره فاطمیان با نمونک  
کلی  
ت ۱۲. (چپ) بازسازی  
قاهره اوایل دوره  
فاطمیان با نمونک  
رایانه‌ای

تاریخ نام‌ها اشاره‌ای به چنین فعالیتی نشده است؛ هر چند که احتمال دارد قاهره در روزهای آغازینش دارای انبارها و بازارهای محلی کوچکی بوده باشد، زیرا در غیر این صورت، خروج از شهر به منظور خرید روزانه برای شهروندان بسیار دشوار می‌شده است. وقتی قاهره بزرگ‌تر شد و رابطه‌ای متوازن با شهر دوقلویش فسطاط ایجاد کرد، این وضعیت تغییر یافت.

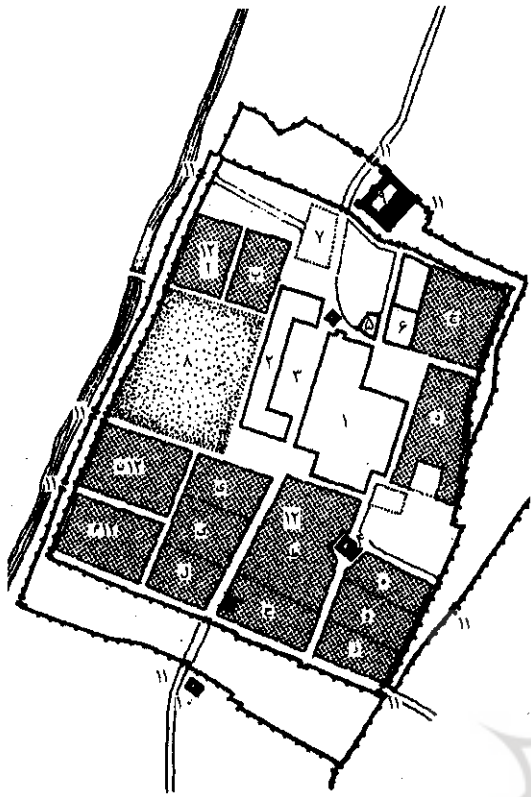
بنا بر این، چنین می‌نماید که تصویر کلی شهر اصلی المعز با شبکه منظمی از خیابانهای عریض و میدانهای باز وسیع منطبق باشد که با تصویر کلیشه‌ای شهر اسلامی بسیار متفاوت است (ت ۱۴ و ۱۵). بینش المعز قاهره را به وجود آورد ولی او آنقدر زنده نماند که از آن لذت ببرد. پسرش العزیز [بالله] به خلافت رسید، و از آنجا که سازنده بزرگی بود، در دوران سلطنت بیست‌ساله‌اش، چندین بنای مهم به قاهره اضافه کرد. اولی، کاخ کوچک غربی (که با عنوان قصرالبحر نیز شناخته می‌شود)، برای شهر اهمیت بسیاری داشت؛ زیرا میدان مرکزی شهر را مشخص و آن را از باغهای متعلق به خلیفه جدا می‌کرد. دومی، مسجد انور، که بعدها مسجد حکیم نامیده شد، از ابتدا مسجد خطبه در نظر گرفته شد تا نمازهای جمعه و عید در آن اقامه شود. اهمیت شهری این مسجد، که بیرون باب الفتوح ساخته شد، این است که اولین مسجد فاطمی بود که قرار بود خارج از باروی شهر ساخته شود. در ساخت آن از مصالح به دست آمده از یک بنای مصر باستان استفاده شد؛ همچنین متضمن تغییری در الگوی سخنرانی دینی در قاهره بود. برای اولین بار خطبه جمعه را در پیش از یک مسجد خواندند: خطبه سنی‌مذهبان در مسجد عمرو شهر فسطاط، و در همان زمان، خطبه



رحبه‌ای از کاخ جدا می‌شد. مقریزی می‌گوید که ساخت این مسجد در سال [۳۵۹ق/] ۹۷۰م آغاز شد و سه سال بعد به پایان رسید. خلیفه المعز اولین نماز جمعه را امامت و خطبه<sup>۱۲</sup> را در عید فطر<sup>۱۳</sup> سال [۳۶۲ق/] ۹۷۲م ایراد کرد.

حاره‌ها یا محله‌های مسکونی قاهره در محیط بیرونی آن قرار داشت؛ اگرچه مقیاس ساخت در این مکان با مرکز شهر بسیار متفاوت بود. در اصل ۲۰ حاره وجود داشت که هر کدام به یکی از قبایل تشکیل‌دهنده لشکر فاطمیان اختصاص داشت. تعادل میان این قبایل و نمودشان در دولت فاطمی قاهره برای موجودیت شهری قاهره اهمیت اساسی داشت. بر خلاف شهرهای نظامی قدیم که از قبایلی تشکیل شده بود که اکثراً از عربستان آمده بودند، قبایل هم‌سنخ در قاهره زندگی نمی‌کردند. وجود نظم شهری به مدد نظامی بود که به قبایل مختلف سهمی در دولت می‌داد.

بعید است که قسمت اصلی شهر، که مکانی خصوصی و شاهانه بود، دارای بازار بوده باشد؛ در هیچ‌یک از

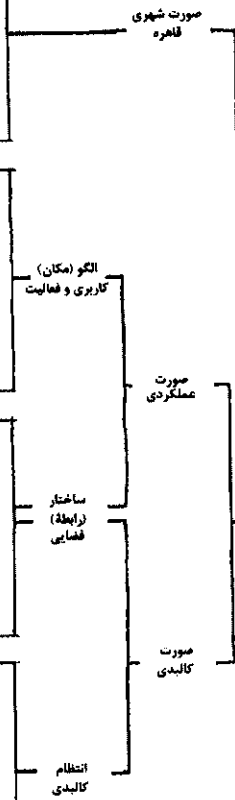
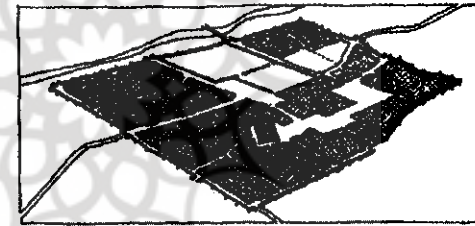
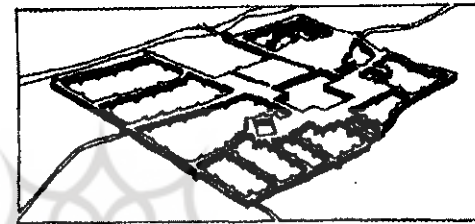
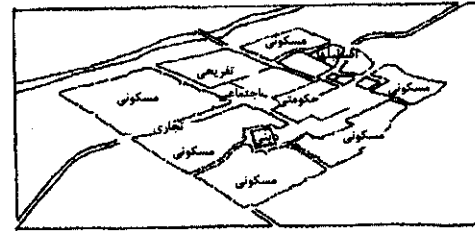
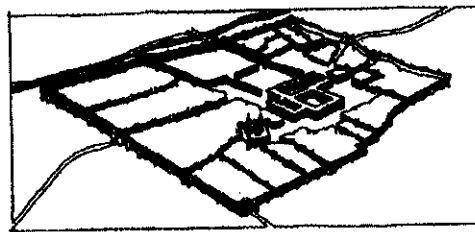


تعداد دکانهای شهر از ۲۰۰۰۰ تجاوز می‌کرد و همه نوع فعالیت تجاری را شامل می‌شد. همه دکانها از آن خلیفه بود و آنها را اجاره می‌دادند؛ و بیشتر مستأجران دکانها هر روز از فسطاط برای کار آمدوشد می‌کردند. هیچ کس به جز خلیفه اجازه تملک املاک تجاری یا مسکونی را در قاهره نداشت.

قبل از پایان حکومت فاطمیان، شهرهای قاهره و فسطاط در کنار هم به حیات خود ادامه می‌دادند و به صورت مرکز شهری واحدی عمل می‌کردند که پایتخت حقیقی خلافت فاطمیان و مهم‌ترین شهر اسلامی در قرون میانه بود. الگوی منظم شهر طراحی شده بعدها شروع به از هم پاشیدگی کرد و به همسایه قدیمی‌اش فسطاط شباهت یافت (ت ۱۶ و ۱۷).

#### نتیجه

یافته‌های این تحقیق بسیار مفید و ابزار استفاده شده برای رسیدن به آن ضروری است. ترسیم نقشه صور کالبدی شهرها در مراحل مختلف رشدشان لمحدای است از چگونگی تجربه زیستن در این شهرها. همچنین فرصتی برای درک و فهم دلایل برخی تصمیمات شهری فراهم



شیعیان در مسجد حکیم ایراد می‌شد.

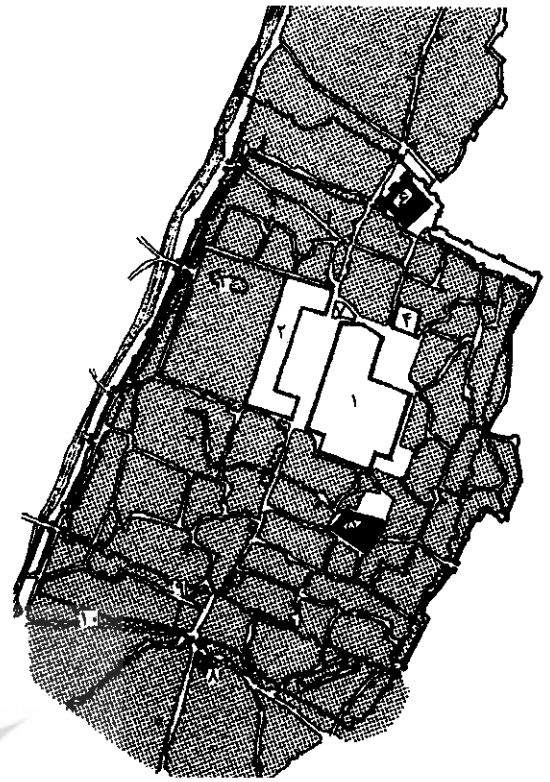
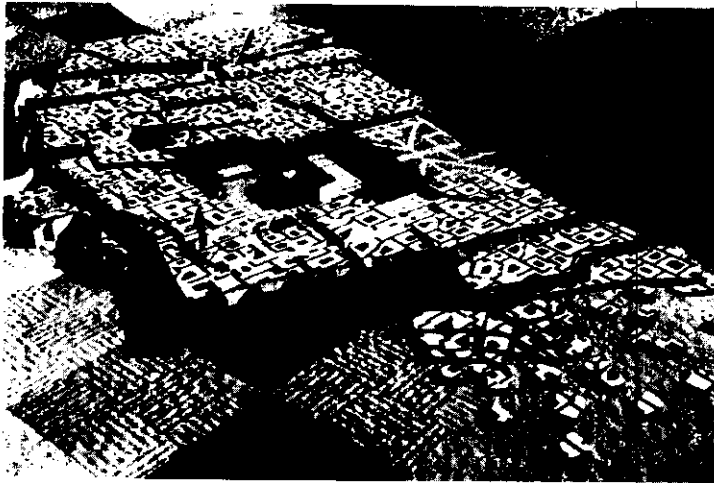
هنگامی که بدرالجمالی، حاکم فاطمی شام، را در سال [۴۶۱ق/ ۱۰۶۸م] برای بر عهده گرفتن وزارت فراخواندند، او صورت ظاهر قاهره را نو کرد. او با ساختن بارویی سنگی و تعدادی دروازه جدید و همچنین از میان برداشتن بناهایی که در بیرون دیوار قرار داشت، به شهر وسعت بخشید. برای اولین بار به قاهره ظاهر شهر قلعه داده شد؛ دستاوردی که اساساً با استفاده از سنگ بازیافته از معابد مصر باستان هم‌جوار، و با آوردن سازندگان ماهر استحکامات از بیزانس حاصل شد.

در دوران شکوفایی فاطمیان، قاهره شهری باشکوه بود. اگرچه نقشه اولیه این بود که قاهره به صورت محوطه‌ای وسیع و مجلل از بناها درآید؛ به سرعت به مرکز شهری تمام‌عیاری بدل شد. سیاح ایرانی، ناصر خسرو، که در [۴۳۹-۴۴۲ق/ ۱۰۴۷ تا ۱۰۵۰م] در این شهر اقامت داشت، شرحی مختصر از ابعاد کسب و تجارت داده است:

حصاره اولیه، به سمت دارالخلافه از بیروانش به واسطه محوطه باز که در این نقشه پیداست (بر طبق قول مقریزی) (۱) کاخ شرقی بزرگ، (۲) کاخ غربی کوچک، (۳) میدان کاخ، (۴) مسجد الازهر، (۵) دارالضیافه، (۶) سرای وزیر، (۷) اصطبلها، (۸) باغ کافوری، (۹) مسجد الحکیم، (۱۰) مسجد، (۱۱) دروازه‌ها، (۱۲) محله‌های مسکونی؛ (الف) فرحیه، (ب) برگوان، (ج) قطوفیه، (د) برقیه، (ه) کوتینه، (و) طوارق، (ز) شرایبه، (ح) یونانی، (ط) دایم، (ی) عمره، (ک) جداره، (ل) زنبله، (م) محمودیه، (ن) عذریه

ت ۱۵. (راست) تمجیل صورت شهری قاهره در دوره فاطمیان





### کتابنامه

- ت ۱۶. (راست) قاهره  
در ابتدای حکومت  
ابوبیان  
۱) کاخ شرقی خلافت  
۲) کاخ غربی  
۳) اصطبلها  
۴) کاخ وزیر  
۵) مسجد الازهر  
۶) مسجد حکیم  
۷) مسجد اقمار  
۸) مسجد صالح  
۹) دیوار و دروازه‌های  
قدیمی  
۱۰) دیوار و دروازه‌های  
جدید  
ت ۱۷. (چپ) بازسازی  
رایانه‌ای قاهره در  
ابتدای حکومت ابوبیان
- ابن تغری بردی الاتابکی. *النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة*،  
دارالکتب مصر.  
ابن عساکر. *تاریخ مدينة دمشق*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.  
بلاذری. *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸م.  
مقریزی. *المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار*، بیروت، دارالکتب  
العلمية، ۱۴۱۸ق.  
باسورت، ا.ک. *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، مرکز  
باستانشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.  
بغدادی، صفی‌الدین عبدالحق. *مرصد الاطلاع عن اسماء الامکنة و البقاع*،  
بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ق.  
یاقوت حموی. *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.

AlSyyad, Nezar. *Cities and Caliphs: On the Genesis of Arab Muslim Urbanism*, New York, Greenwood Press, 1991.

Al-Sayyad, Nezar. "Modelling Traditional Islamic Cities" in: *MIMAR: Architecture in Development*, no. 43, London, Concept Media Ltd, 1992.

### پی‌نوشتها:

- این مقاله ترجمه‌ای است از:  
Nezar Al-Sayyad, "Modelling Traditional Islamic Cities" in: *MIMAR: Architecture in Development*, no. 43 (1992), pp. 26-33.
- آگورا در شهرهای یونان باستان فضای روباز و محل برگزاری فعالیت مختلف اجتماعی بود. — و.
- دکومانوس در شهرسازی رومی خیابانی است که امتداد شرقی- غربی دارد. — و.

می‌کند. صورت شهرهایی مانند دمشق و قاهره نه تنها بازتابی از هنجارهای اجتماعی و قانونی بود؛ بلکه حاصل ادغام عمل فردی [شهروندان] با اراده و قدرت [حکومت] بود.

فهم صحیح و کامل تاریخ شهرهای اسلامی نیازمند ایجاد پایگاه اطلاعات تاریخی است که با تصویر همراه باشد. ثابت شده است که شبیه‌سازیهای رایانه‌ای سازوکارهایی بسیار مؤثر در تحلیل تاریخ صورت شهری است: امکان الحاق بصری یافته‌های جدید متنی و معمارانه و باستان‌شناسانه را فراهم می‌کند؛ می‌توان از آنها چون ابزاری برای اجرای برنامه‌های حفاظت تاریخی استفاده کرد؛ در ایجاد تصاویر متحرک برای اهداف آموزشی مفید است و قابلیت آنها چون ابزاری برای طراحی در محله‌ها و محوطه‌های تاریخی آشکار است.

بای جدید برای طراحان مورخان علاقه‌مند به تاریخ صورت شهر در حال گشایش است که قابلیت‌های آن بی حد و مرز می‌نماید. □

۴. محوطه‌ای (میدانگاه) در مرکز شهرهای روم باستان که به واسطه فعالیت‌های متنوع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که در آن انجام می‌شد، اهمیت فوق‌العاده داشت و طرح کلی آن از آگورای یونانی اقتباس شده بود. — و.

۵. ضبط یاقوت در معجم البلدان، ج ۲، ص ۹۱: «و باب الجابية بدمشق منسوب الی هذا الموضع...». — و.

۶. ضبط مراصد الاطلاع، ج ۱، ص ۱۴۳: «باب توما بضم التاء: احد ابواب دمشق...». — و.

۷. ظاهراً مأخذ مؤلف فتوح البلدان بلاذری است. اما در آنجا سخنی از رؤیت عهدنامه مذکور به چشم واقدی نرفته است. در ضمن، بلاذری در سخن منقول خود از واقدی چیزی از جزئیات عهدنامه نمی‌گوید و فقط می‌نویسد: «... بل نزل [خالد] بیاب الجابية، فأخرج الیه اسقف دمشق نزلاً و خدمة فقال: احفظ لی هذا العهد فوعده بذلك، ثم سار خالد...» و فقط در باب فتح بصره به دست خالد است که سخنی از شرایط عهدنامه می‌رود. شاید مؤلف این دو را خلط کرده باشد؛ به‌خصوص که بلاذری نوشته است: «لأنها [بصره] من دمشق...» نک: بلاذری، ص ۱۱۵ و ۱۱۶. — و.

۸. در یونان باستان، قطعه زمینی بود که وقف شاهان یا فرماندهان می‌شد؛ یا زمینی که به منزله مکانی مقدس وقف درگاه خداوند می‌شد.

۹. اما سخن ابن عساکر این است: «... فقال له معاوية كيف ترى هذا البنيان. قال: أما أعلاه فللمصافير، و أما أسفله فللفار. قال فنفضها معاوية و بناها بالحجارة.» اولاً آن قسمت منقول از سفیر روم که گفته است: «این کاخ نیست» در روایت ابن عساکر دیده نمی‌شود و ظاهراً برداشت الصیاد از ماجراست؛ ثانیاً به نظر می‌رسد الصیاد «فار» را «نار» خوانده باشد و فار به معنی موش با سیاق عبارت هم بیشتر می‌خواند: «و اما بالای آن برای گنجشکان و پایین آن مناسب موشان است.» نک: ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۳۵۹. — و.

۱۰. اگرچه در متن انگلیسی لغت envoy آمده است، که معادل وزیر مختار و سفیر است؛ در متون تاریخی دست اول عربی منصب جوهر «فائد» لشکر ذکر شده است که معادل فارسی آن «سردار» است. نک: ابن تفری بردی الاتابکی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۴، ص ۲۸. — و.

۱۱. آل اخشید خاندانی از امرای ایرانی نژاد بودند که بین سالهای ۳۲۳ تا ۳۵۸ ق در مصر و شام و حرمین حکم می‌راندند؛ نک: اک. باسورث، سلسله‌های اسلامی جدید، ج ۱، ص ۱۳۷. — و.

۱۲. مقریزی می‌گوید خطبه و سیاق عبارت هم مؤید همین کلام است و لغت خطبه khutah ظاهراً غلط چاپی است. اما اصل کلام مقریزی: «[...]] و دخل الی القاهرة [...] و ذلك لسبع خلون من رمضان سنه اثنتين و ستين و ثلثمائة، فعند ادخل القصر صلي ركعتين [...] ثم اصبح فجلس للهناء [...] و صلي بالناس صلاة عيد فطر في المصلي [...]» تم خطب بعد الصلاة...» نک: المقریزی، المواعظ و الاعتبار...، ج ۲، ص ۱۹۰. و سخن از دو نماز است: اولی که دو رکعت به هنگام ورود به قصر خویش در روز جمعه از ماه رمضان به‌جای آورده و دومی نماز عید فطر که فردای آن روز بوده و در مصلاً گزارده شده است. — و.

۱۳. بنا بر روایت مقریزی، این خطبه یا بعد از نماز عید فطر ایراد شده است یا قبل از نماز آخرین جمعه ماه مبارک رمضان. در حالی که مؤلف مقاله حاضر در متن اصلی، اولین جمعه ماه رمضان را روز خطبه خواندن دانسته است. — و.